

Jurisprudential Analysis of Article 94 (Limited Liability Companies) of Iran's Commercial Law in Companies Affairs ¹


Mohammad Hasanzadeh 

PhD in jurisprudence and fundamentals of Islamic law, University of Tehran Fourth level student of Qom seminary ; mohamadhasanzadeh1375@gmail.com;

Receiving Date:2023/11/23; Approval Date: 2024-02-14

Abstract

Iran's commercial laws are a codified set of do's and don'ts for commercial business activities. These laws have always been important to scientific societies due to the high incidence of the citizens' society [what is meant here?]. Since the business system of Muslims is intended by the holy sharī'ah, the set of commercial laws of Iran are also not oblivious to the inclusion of sharī'ah and considers it necessary to adapt these laws to the jurisprudence standards because Islam considers itself to have a comprehensive and universal plan for all human issues. Since commercial laws

1.Hassanzadeh. M (2024);"Jurisprudential Analysis of Article 94 (Limited Liability Companies) of Iran's Commercial Law in Companies Affairs; *Jostar_ Hay Fihi va Usuli*; Vol: 9; No: 33; Page:131-160; 10.22034/jj.2022.61981.2350

© 2023, Author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

regarding business affairs are derived from French secular law and approved by the National Consultative Assembly, the need for jurisprudential analysis of these laws will be considered a serious demand. What is included in the limited space of this study is the jurisprudential analysis of limited liability in the affairs of companies, which has not been mentioned in any jurisprudential research paper. Now, according to the interpretation of Article 94 of Iran's Commercial Law, in limited liability companies, the partners are only obligated to the creditors according to the amount of their capital in the company, in this case, if the company's debt exceeds the partners' capital, the creditors will never get all their rights. Now, it should be stated that what motivates the author to write this study is the clear discrepancy between the contents of this Article of the Commercial Law with the holy sharī'ah and with the generalities of the evidence of the obligation to pay the debt, which, of course, due to analytical remarks, there will be no way to allocate these generalities. Thus, what will be possible is the obligation to pay the debts of the company's creditors to the extent of all the assets of the company's owners. The theory of limited liability and the commitment of its partners to the amount of their initial registered capital in the company, which is part of Iran's Commercial Law, has clear jurisprudential differences and obvious contradictions. This research paper is developmental based on the intended goals and descriptive based on its need for hypothesis.

Keywords: Jurisprudential Analysis of Commercial Law, Companies with Limited Liability, Article 94 of Commercial Law in Companies Affairs, Limited Liability, Limited Liability from a Jurisprudential Perspective.

جستارهایی فقهی پیرامون شرکت‌های با مسئولیت محدود در قانون تجارت ایران^۱

محمد حسن زاده ID

دانش آموخته مقطع دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران و طلبه سطح چهار حوزه علمیه قم. قم - ایران.

mohamadhasanzadeh1375@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵



چکیده

قانون تجارت ایران؛ مجموعه‌ای مدون از بایدها و نبایدهای فعالیتهای تجاری تکاسبی است. این قانون همواره به دلیل ابتلای زیاد جامعه شهروندی، مورد اهمیت مجامع علمی قرار داشته است. از آنجا که نظام تجاری مسلمانان مورد نظر شرع مقدس قرار دارد، مجموعه قوانین تجارت ایران نیز از شمولیت نگاه شرع غافل نبوده و تطبیق این قوانین با موازین فقهی را لازم می‌داند؛ چرا که دین اسلام خود را دارای برنامه‌ای جامع و همه‌جانبه برای تمامی موضوعات بشری می‌داند. از آنجا که قانون پیش روی ما در امور تجاری، برگرفته از قوانین سکولار فرانسه و مصوب مجلس شورای ملی است، نیاز به بازنگری فقهی این قوانین خواسته‌ای جدی تلقی خواهد شد. آنچه در فرصت کوتاه این مقاله می‌گنجد، بررسی فقهی مسئولیت محدود در امور شرکت‌ها است که تاکنون در هیچ پژوهش فقهی حقوقی، بدان اشاره نگردیده است. حال که طبق تفسیر ماده ۹۴ قانون تجارت ایران، در شرکت‌های با مسئولیت محدود، شرکا فقط نسبت به میزان سرمایه خود در شرکت در برابر طلبکاران

۱. حسن زاده، محمد. (۱۴۰۲). «بررسی فقهی ماده ۹۴ (شرکت‌های با مسئولیت محدود) قانون تجارت ایران در امور شرکت‌ها». فصلنامه علمی پژوهشی جستارهای فقهی و اصولی. ۹۰ (۳۳)، صص: ۱۳۱-۱۶۰.

متعهدند، در این صورت اگر میزان بدهی شرکت بیش از سرمایه شرکا باشد، طلبکاران هیچ‌گاه به استیفای تمام حقوق خود نخواهند رسید. علت ترغیب نویسنده به نگاشتن این پژوهش، تغایر صریح بین مفاد این ماده از قانون تجارت با شرع مقدس اسلام و عموماً ادله وجوب ادای دین است که البته با توجه به تنبیهاتی تحلیلی، راهی برای تخصیص این عموماً نیز وجود نخواهد داشت. پس آنچه میسر خواهد بود، وجوب پرداخت دیون طلبکاران شرکت، به میزان تمام دارایی‌های مالکان شرکت است و نظریه مسئولیت محدود و تعهد شرکا آن‌هم به میزان سرمایه ثبت شده اولیه خود در شرکت که نص قانون تجارت ایران است، دارای تغایر آشکار فقهی و خلاف بین آن است. همچنین این پژوهش بر اساس اهداف مورد نظر، توسعه‌ای و بر اساس نیاز آن به فرضیه، توصیفی است.

کلیدواژه‌ها: بررسی فقهی قانون تجارت، شرکت‌های با مسئولیت محدود، ماده ۹۴ قانون تجارت در امور شرکت‌ها، مسئولیت محدود، مسئولیت محدود از نگاه فقه.

مقدمه

قوانین تجاری همواره مورد توجه شرع مقدس اسلام قرار داشته و تطابق این قوانین با موازین فقهی از آمال شارع مقدس به‌شمار می‌رود. اهمیت این موضوع زمانی آشکار خواهد شد که شارع مقدس در صورت عدم تنفیذ قوانین تجاری، حکم به عدم تأثیر این قوانین خواهد داد. از طرفی رعایت حدود شرعی در اجرای قوانین تجاری اقتصادی مورد نظر مسلمانان و حکومت‌های اسلامی است. با توجه به این ضرورت بدیهی است که قانون تجارت ایران نیز با توجه به وسعت اجرایی فراوان آن در جامعه مسلمانان از این قاعده مستثنا نیست. تصویب این قانون در مجلس شورای ملی و قبل از انقلاب اسلامی موجب گشته است که این قانون دارای خلافات آشکار زیادی با شرع مقدس اسلام باشد. آنچه در این پژوهش سعی بر بررسی آن شده است؛ نگاه به ماده ۹۴ (شرکت‌های با مسئولیت محدود) قانون تجارت ایران در امور شرکت‌ها از دریچه فقهی است که در حقیقت نخستین بودن و عدم هرگونه سابقه پژوهشی و مروری با محوریت نگاه فقهی حول موضوع شرکت‌های با مسئولیت محدود، ادعایی گزاف نخواهد بود و با اندکی تأمل و تفحص بدین مهم رسیده خواهد شد. تا آنجا که بررسی فقهی مواد قانون تجارت ایران از جمله ماده ۹۴

جستارهای

فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۳

زمستان ۱۴۰۲

۱۳۴

(شرکت‌های با مسئولیت محدود) تا به امروز به عرصه رأی و نظر شورای نگهبان راه نیافته است، واکاوی جامع فقهی شرکت‌های با مسئولیت محدود با استفاده از تأییدات احکام قضایی داخلی و بین‌المللی از دیگر نوآوری‌های این پژوهش به‌شمار می‌آید که نشانگر عقلایی بودن موازین فقه جعفری در جوامع بشری است. حال با عنایت به پژوهش پیش رو امید است با بررسی مجدانه مفاد این قانون و تطبیق آن با موازین فقهی به آنچه واقع است نائل آییم.

در موضوع پژوهش حاضر به شکل اختصاصی مقاله یا پایان‌نامه‌ای در پایگاه‌های علمی ثبت نگردیده است اما وجود کتاب و پایان‌نامه‌هایی با کلیت بررسی فقهی شرکت‌های تجاری، غیرقابل انکار است که به ذکر آنان با یادآوری تفاوت‌های استنباطی با پژوهش حاضر (که نظر به وجود خلاف بین شرع در ماده ۹۴ قانون تجارت در امور شرکت‌ها دارد) می‌پردازیم:

۱) پایان‌نامه «بررسی فقهی حقوقی شرکت‌های تجاری و مدنی، وجوه افتراق و اشتراک» نوشته مصطفی یوسفی هر یکنده از دانشکده الهیات دانشگاه تهران، در سال ۱۳۹۲. در این پژوهش خلاف شرعی در ماده ۹۴ یافت نشد.

۲) کتاب «بررسی فقهی و حقوقی اعسار و ورشکستگی» از محمد روشن، فردوسی، در سال ۱۳۸۷. در این پژوهش با توجه به ادله و جوب ادای دین، ماده ۹۴ نیز ذیل آن ادله قرار خواهد گرفت اما اشاره‌ای بدان نشده است.

۳) کتاب «بررسی فقهی حقوقی قاعده صحت در معاملات (مبانی و قلمرو)» به قلم عزیز اله فهیمی از دانشگاه قم، سال ۱۳۹۵. در این پژوهش نه تنها خلاف شرعی در ماده ۹۴ یافت نمی‌شود بلکه با استفاده از عموماً اصالت الصحه، می‌توان حکم به صحت شرعی این ماده از قانون تجارت در امور شرکت‌ها داد.

از آنجا که قانون‌گذار در بیان موارد قانونی به‌صرف بیان مواد قانون اکتفا کرده و از بیان ادله تفصیلی و علل شکل‌گیری قانون صرف نظر می‌نماید اما آنچه می‌تواند به‌عنوان دلیل بر ایجاد مسئولیت محدود قلمداد گردد، عدم قبول ریسک‌پذیری در انجام معاملات است؛ تجار در بسیاری از حالات، تمایلی به درگیر کردن تمامی سرمایه خود ندارند و خواستار به‌کارگیری نسبتی از سرمایه خود هستند تا بدین واسطه

از هدر رفت سرمایه خود و ضرر و زیان‌های غیرقابل جبران جلوگیری نمایند. حال برای به سرانجام رساندن این مهم، به تشکیل شرکت‌های با مسئولیت محدود روی آورده‌اند که مسئولیت‌های سنگین دیگر شرکت‌ها همچون تضامنی و نسبی را از خود دور سازند.

باید توجه نمود که مبانی تقنین در کشورهای سکولار همچون فرانسه و قانون تجارت ایران که برگرفته از کنوانسیون‌های تجاری ژنو و قوانین فرانسه است، نیازی به تحدید شرعی این قوانین ندارد و صرف تطابق حکم یک موضوع با عرف اجتماع، بنا عقلا و اراده طرفین، آن حکم به شکل قانون درآمده و الزام به آن رسمی خواهد بود. در نتیجه هیچ مانعی در امتداد شکل‌گیری مسئولیت محدود نبوده و نیازی در جهت اثبات آن نیست؛ چراکه صرف توافق طرفین (که دارای قوه تشخیص بوده و خالی از اسباب حجر می‌باشند) مصحح این محدودیت است و چه بسا یکی از متعاقدین اذن در اتلاف اموال خود را به دیگری دهد.

اما وجود تغایر بین قوانین تجاری و مبانی فقه اسلامی، موجب عدم اعتبار این قوانین و اثر ناپذیری آنان نزد شارع مقدس می‌گردد. لذا بررسی فقهی تمام و کمال مفاد قوانین تجاری ضرورتی بدیهی و انکارناپذیر است. حال باید بیان داشت که به دلیل تصویب این قوانین در مجلس شورای ملی (قبل از انقلاب اسلامی) و عدم بررسی فقهی این قوانین در شورای نگهبان قانون اساسی، مزید بر علت ضرورت بیش‌ازپیش بررسی فقهی این قوانین گشته است.

عقود و ایقاعات تجاری همواره مورد نظر فقه اسلامی بوده و از آغاز ابتلا و مواجهه مسلمانان با آن، به تنقیح آنان پرداخته است؛ به گونه‌ای که مبانی و حدود فقهی دین اسلام موجب تحدید آنان گشته و در مواردی تغییر ماهیت این عقود و ایقاعات را در پی داشته است.

نظام حکومتی کشور ایران نیز بعد از انقلاب شکوهمند اسلامی از این رویکرد مستثنا نبوده و به اسلامی سازی قوانین و تطبیق آنان با شروط و حدود فقه اسلامی پرداخته است که این موضوع به تصریح در اصل چهارم قانون اساسی این گونه بیان شده است: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی،

جستارهای
فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۳
زمستان ۱۴۰۲

۱۳۶

نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد». این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است (گروه مؤلفین، ۱۳۹۵، ۱۲).

همان‌طور که در متن این اصل از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان شد، وظیفه این مهم بر عهده شورای نگهبان قانون اساسی، آن‌هم به‌طور اخص فقهای شورای نگهبان است.

حال که در مقام ثبوت، اصل اسلامی بودن تمامی قوانین موجود در جمهوری اسلامی بیان گردید اما با نگاهی به بعضی از قوانین متوجه این نکته خواهیم شد که در مقام اثبات هنوز قوانینی در حال اجرا هستند که مخالف بین و یا غیر بین با شرع مقدس اسلام دارند.

در این میان قانون تجارت ایران نمود بیشتری در این اشکال دارد که علت آن را نیز می‌توان به ریشه تصویب این قوانین نسبت داد؛ چراکه اصل قانون تجارت ایران در اردیبهشت‌ماه ۱۳۱۱ هجری شمسی در قالب ۶۰۰ ماده در مجلس شورای ملی تصویب گردیده است (ستوده تهرانی، ۱۳۸۲، ۲۴). مقررات راجع به امور شرکت‌های سهامی در مواد ۲۱ تا ۹۳ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ بیان شده بود اما در سال ۱۳۴۷ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، در رابطه با شرکت‌های سهامی عام و خاص، در قالب ۳۰۰ ماده به تصویب رسید که پس از تصویب لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت در سال ۱۳۴۷، مواد ۲۱ تا ۹۳ قانون تجارت دیگر در خصوص شرکت‌های سهامی عام و خاص کاربرد ندارد (عرفانی، ۱۳۶۵، ۴۷۲/۳).

حقوق‌دانان بر این قول متفق‌اند که این قانون بر مبنای قانون تجارت ۱۸۰۷ میلادی فرانسه «معروف به کد ناپلئون» ترجمه و تهیه شده است (اسکینی، ۱۳۷۸، ۱۵). این قوانین از جهت فقهی موردبررسی قرار نگرفته‌اند لذا طبیعی است که موارد خلاف زیادی در این قوانین مشاهده گردد. از آنجا که بررسی تمامی مواد قانون تجارت ایران نیاز به قلم‌فرسایی فراوان دارد و در این مقال نمی‌گنجد، نویسنده عزم خود را بر این داشته است که در این پژوهش به‌طور خاص به بررسی یکی از مواد این قانون مهم و پرکاربرد پرداخته و موجبات تصحیح و تنقیح این قوانین را فراهم آورد. بر این اساس

جستارهایی فقهی
پیرامون شرکت‌های با
مسئولیت محدود در
قانون تجارت ایران
۱۳۷

در این مقاله به بررسی فقهی ماده ۹۴ قانون تجارت ایران در امور شرکت‌ها پرداخته‌ایم که امید است مورد توجه صاحبان علم و خرد قرار گیرد.

۱. شرکت‌های با مسئولیت محدود

از رایج‌ترین انواع شرکت‌های تجاری در ایران، شرکت‌های با مسئولیت محدود می‌باشند. این نوع از شرکت‌ها بیشتر توسط اعضای یک خانواده، افراد فامیل، دوستان و آشنایان تأسیس می‌شود. در ماده ۹۴ قانون تجارت ایران در امور شرکت‌ها برای توضیح ماهیت این شرکت‌ها آمده است: به شرکتهای که بین دو یا چند نفر برای انجام امور تجاری تشکیل شده باشد، شرکت با مسئولیت محدود گفته می‌شود. هر یک از شریکان بدون این که سرمایه به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد، تنها به اندازه میزان سرمایه خود در شرکت مسئول قرض‌ها و تعهدهای شرکت است (منصور، ۱۳۸۳، ۱۰۷).

حال که تعریف کلی این گونه شرکت‌ها در قانون تجارت بیان شده است، برای بررسی فقهی این ماده از قانون تجارت (شرکت‌های با مسئولیت محدود) لازم است به بیان مبسوط این نوع شرکت با توجه به تمام ممیزات و مشخصات آن پرداخت.

جستارهای
فقهی و اصولی
سال نهم، شماره پیاپی ۳۳
زمستان ۱۴۰۲
۱۳۸

۱/۲. ویژگی‌های شرکت‌های با مسئولیت محدود

در بررسی این ماده از قانون تجارت ایران ویژگی‌هایی نمایان است که به شرح ذیل می‌باشند:

۱/۲/۱. تعهد شرکا

در شرکت‌های با مسئولیت محدود هر شریک تنها به اندازه آورده و سهام خود در برابر قرض‌ها و تعهدهای شرکت مسئول است. مثلاً ممکن است ۴ شریک داشته باشیم که هر کدام ۱۰۰ میلیون تومان در شرکت سرمایه‌گذاری نموده‌اند و در نهایت نیز همان ۱۰۰ میلیون تومان عایدی وی باشد اما باین وجود ممکن است شرکت یک میلیارد تومان بدهی داشته باشد. حال هر یک از شرکا فقط به میزان همان ۱۰۰ میلیون تومان در برابر طلبکاران متعهد هستند. این فرض در صورتی است که

فرقی بین این نیست که سهامداران، جدای از سرمایه خود در شرکت، دارای اموالی غیر از مستثنیات دین نیز هستند یا خیر. در واقع در این نوع شرکت‌ها در صورت ورشکستگی شرکت، طلبکاران هیچ‌گاه به تمام حقوق خود نخواهند رسید و وصول تمامی حقوقشان غیرقابل تحقق خواهد بود.

در فرض عدم بدهکاری شرکا در شرکت‌های با مسئولیت محدود و سلب مسئولیت آنان به‌طور تضامنی و درگیری اموال شخصی آنان، مسئولیت شرکت نیز به‌طور محدود در نظر گرفته شده است و در فرض عدم تأدیة دیون طلبکاران شرکت به دلیل فزونی طلب آنان به نسبت سرمایه شرکت، هیچ ادعایی از سمت طلبکاران موردپذیرش نخواهد بود. در نتیجه باید توجه نمود که الزام شخصیت حقوقی به تأدیة دیون نیز مصحح اشکال مطروحه در پژوهش نیست و همچنان تغایر فقهی در جای خود ثابت است. پس توجه به این نکته ضروری است که راه وصول طلب طلبکاران از شخصیت حقوقی شرکت نیز محدود بوده و نمی‌توان تمامی حقوق طلبکاران را در صورت فزونی طلب آنان به نسبت سرمایه شرکت، ادا نمود.

۱/۲/۲. سرمایه شرکت

در این نوع از شرکت‌ها، شرکا می‌توانند آورده نقد و غیر نقد داشته باشند و الزامی در سرمایه‌گذاری با وجه رایج وجود ندارد. همچنین در شرکت‌های با مسئولیت محدود رابطه‌ای التزامی بین میزان سرمایه و تعداد قطعه‌های سهام نیست و میزان سرمایه به تعداد قطعه‌های سهام تقسیم نمی‌شود. همچنین باید توجه داشت که کم‌ترین سرمایه موردنیاز برای تشکیل و تأسیس شرکت‌های با مسئولیت محدود، مجموعاً مبلغ صد هزار تومان است.

۱/۲/۳. نام‌گذاری شرکت‌های با مسئولیت محدود

هرچند این ویژگی از منطوق و مفهوم ماده ۹۴ قانون تجارت ایران در امور شرکت‌ها نمایان نمی‌شود و در واقع مستفاد از ماده ۹۵ این قانون است اما با توجه به ارتباط مؤثر آن به بحث، به ذکر آن می‌پردازیم.

در ماده ۹۵ قانون تجارت ایران در امور شرکت‌ها آمده است: در اسم شرکت باید عبارت «با مسئولیت محدود» قید شود وگرنه آن شرکت در قبال اشخاص ثالث، شرکت تضامنی محسوب و تابع مقررات آن خواهد بود.

برای توضیح این ماده باید بیان داشت که در نام‌گذاری این نوع از شرکت‌ها باید حتماً قید مسئولیت محدود در عنوان این شرکت‌ها ذکر شود و در صورت اطلاق در نام‌گذاری یا تهی بودن عنوان از قید مسئولیت محدود، این شرکت به شرکت‌های تضامنی انصراف پیدا کرده و از مقررات آن تبعیت می‌نماید. پس با توجه به این ماده از قانون تجارت آنچه حائز اهمیت در نام‌گذاری شرکت‌های با مسئولیت محدود است، ذکر واژه «با مسئولیت محدود» است و اینکه اسم شرکت می‌تواند متشکل از نام خود شرکت یا یکی از آن‌ها باشد با توجه به اطلاق ماده ۹۵ قانون تجارت شرکت‌ها دارای محذور نیست و صرف نام‌گذاری شرکت بر اساس اسم شرکا موجب انصراف شرکت به ماهیت شرکت‌های تضامنی نمی‌گردد.

هرچند ویژگی‌های ماهوی و شکلی شرکت‌های با مسئولیت محدود به موارد مذکور بالا خاتمه نمی‌یابد اما با توجه به فرصت مختصر پژوهش و عدم ارتباط دیگر ویژگی‌های این نوع از شرکت‌ها با بنیان‌های شرعی و فقهی، از ذکر دیگر خصائص صرف نظر کرده و اطالۀ انشا نمی‌نماییم.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۳

زمستان ۱۴۰۲

۱۴۰

۲. بررسی فقهی

با نگاه و توجه به تفاسیر و ویژگی‌های این ماده از قانون تجارت، آنچه دارای جنبه فقهی است، ویژگی شماره یک یا همان تعهد شرکا است. به صراحت می‌توان بیان داشت که این ویژگی (که هر یک از شرکا فقط به میزان آورده و سهام خود در برابر طلبکاران مسئول می‌باشند). حال چه هر یک از شریکان، خارج از ماهیت شرکت دارای اموال باشند یا نباشند) خلاف بین شرع است.

۱- شرکت تضامنی، شرکتی است که تحت اسم مخصوصی برای امور تجاری بین دو یا چند نفر با مسئولیت تضامنی تشکیل می‌شود و اگر دارایی شرکت برای تأدیه تمام قروض شرکت کافی نباشد، هر یک از شرکا مسئول پرداخت تمام قروض هستند. در صورتی که نام برخی مالکان شرکت در نام شرکت آمده باشد، شرکت تضامنی محسوب می‌شود.

برای توضیح و اثبات این خلاف، ابتدا به قرآن کریم، مرجع اصلی احکام و قوانین فقهی مراجعه می‌نماییم.

خداوند متعال در آیه ۲ سوره بقره می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ... فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ (بقره، ۲): ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که بدهی مدت‌داری (به خاطر وام یا دادوستد) به یکدیگر دارید... و اگر به یکدیگر اطمینان کامل داشته باشید، وثیقه لازم نیست و باید کسی که امین شمرده شده و بدون وثیقه چیزی از دیگری گرفته، امانت و بدهی خود را به موقع پردازد و از خدایی که پروردگار اوست پرهیزد! و شهادت را کتمان نکنید! و هرکس آن را کتمان کند، قلبش گناهکار است و خداوند، به آنچه انجام می‌دهید، داناست.

همان‌گونه که از فعل «فَلْيُؤَدِّ» نمایان است، صیغه امر مضارع غایب است و ظهور در وجوب؛ یعنی وجوب پرداخت دیون و بدهی‌های مدیون توسط دائن دارد.

همچنین در روایات زیادی از ائمه معصومین علیهم‌السلام این وجوب هویدا است که حقیقتاً ادعای تواتر معنوی بر این موضوع خالی از قوت نیست. در این میان روایتی مشهور از پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده است که شهرت فراوان این حدیث موجب مبدل گشتن آن به قاعده‌ای فقهی نیز گشته است. ابن ابی جمهور در کتاب عوالی اللثالی آورده است: «عَلَى الْيَدِ مَا أَحَدَتْ حَتَّى تُؤَدِّيَ» (تُوَدِّيهِ) ((ابن ابی جمهور، ۱۳۶۱، ۲/۳۴۵)؛ بر عهده هر فردی است، آنچه را که گرفته است (به هر عقد و ایقاعی) تا آنکه آن مال را ادا نماید و خود را از آن (دین) بری الذمه نماید. صراحت این حدیث به کلیت اجمالی وجوب ادای دین و برگرداندن حق افراد به‌وضوح نمایان است و انسان را از تفسیر و اثبات بی‌نیاز می‌گرداند.

محدث نوری نیز در کتاب شریف مستدرک الوسائل در باب الدین و القرض روایتی آورده است: «وَإِعْلَمَنَّ أَنْ مَنْ اسْتَدَانَ دَيْنًا وَتَوَى قَضَاءَهُ فَهُوَ فِي أَمَانِ اللَّهِ حَتَّى يَفْضِيَهُ فَإِنْ لَمْ يَنْوِ قَضَاءَهُ فَهُوَ سَارِقٌ فَاتَّقِ اللَّهَ وَادِّ إِلَى مَنْ لَهُ عَلَيْكَ» (محدث نوری، ۱۳۶۸، ۲۱۳۱۷)؛ امام علیه‌السلام فرمودند: و بدان کسی که مدیون است اگر نیت و قصد پرداخت

جستارهایی فقهی
پیرامون شرکت‌های با
مسئولیت محدود در
قانون تجارت ایران

۱۴۱

دین و طلب خود را دارد پس او در امان و امنیت خداوند است تا آنکه دین خود را ادا کند اما اگر نیت و قصد پرداخت را نداشته باشد همانا او دزد است. پس پرهیزگار باش و طلب و دین هرکسی که بر عهده تو هست را ادا نما. در این روایت علاوه بر اینکه فعل امر مخاطب «أَدِّ» صراحتاً بر وجوب پرداخت دیون دلالت دارد، امام علیه السلام نیت پرداخت را نیز واجب می‌دانند؛ یعنی اگر فردی به دلیل اعسار قادر بر پرداخت دین خود نبود بر او وجوب نیت و قصد پرداخت دین خود به دائن، باقی است. با صرف نظر از وجود ادله نقلی فراوان و متعدد دال بر وجوب پرداخت دین، این وجوب به وسیله حکم مستقل عقل نیز قابل اثبات است و عقل به تنهایی و بدون کمک شرع نیز قادر بر درک این وجوب است. صورت منطقی اثبات این وجوب را می‌توان به شکل زیر تصور نمود.

صغرا: ادای دین و بدهی هر مدیون به طلبکار خود حسن و لازم است عقلاً.

کبرا: هرآنچه عقل بدان حکم دارد، شرع نیز بدان حکم می‌کند.

نتیجه: ادای دین و بدهی هر مدیون به طلبکار خود حسن و لازم است شرعاً.

صغرای این قیاس از تأدییات صلاحیه است که هر عاقلی فارغ از مذهب و نژاد در هر جای هستی بدان معتقد است و جزو آرای محموده او محسوب می‌گردد. بنا بر آنکه عقل انسانی مستقلاً و بدون دخالت شرع این وجوب را درک و بدان ملتزم گردید باید بیان داشت که در نتیجه، اوامر موجود در آیات و روایات مبنی بر وجوب ادا و پرداخت دیون توسط مدیون به دائن که در گذشته به آن‌ها به شکل مختصر اشاره شد، اوامری ارشادی هستند و فقط ارشاد و هدایت به حکم عقل می‌نمایند و در مقام امر مولوی نیستند؛ زیرا شارع مقدس دارای مقام حکمت مطلق بوده و امر به آنچه به وسیله عقل حاصل است را تحصیل حاصل و در نتیجه قبیح می‌داند.

تا بدین جای کلام، کلیت وجوب ادای دین به صورت فی الجمله اثبات گردید اما آنچه حائز اهمیت است توجه به شیوه بیان احکام از سمت شارع مقدس است. باید گفت شارع مقدس در بیان احکام الهی به قرائن مخصوصه منفصله اعتماد کرده و شیوه تدریج را برای بیان احکام خود اختیار نموده است؛ یعنی در ابتدا شارع مقدس حکم عام خود را بیان می‌نماید که عمومیت این حکم مراد ظاهری و استعمالی

جستارهای

فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۳

زمستان ۱۴۰۲

۱۴۲

اوست، سپس بعد از ارسال قرائن مخصصه منفصله خود، مراد جدی اش را آشکار می‌نماید. با تفحصی کوتاه در آیات و روایات این نکته قابل درک خواهد بود. در همین رابطه مرحوم مظفر در کتاب اصول خود در باب عدم جواز استناد به عام قبل فحص از مخصص منفصله می‌فرماید: «والسر فی ذلک واضح لما قدمناه، لأنّه إذا كانت طريقه الشارع فی بیان مقاصده تعتمد علی القرائن المنفصله لا یقی اطمئنان بظهور العام فی عمومه، فإنّه کون ظهورا بدویا وللشارع الحججه علی المکلف إذا قصر فی الفحص عن المخصص» (مظفر، ۱۳۷۷، ۹۲/۲)؛ و راز اینکه تمسک به عام قبل از تفحص مخصص منفصله جایز نیست به وضوح از آنچه بیان نمودیم روشن است و آن این است که شارع برای بیان مقاصد و احکام خود به قرائن منفصله اعتماد می‌نماید و ظهور عام که ابتدائاً کلام خود را با آن شروع کرده است، بدوی است. پس در نتیجه برای شارع حق احتجاج علیه مکلف در صورتی که فحص از مخصص منفصله قبل تمسک به عام نماید، محفوظ است.

حال مدعی صحت شرعی قانون شرکت‌های با مسئولیت محدود نیز از این قاعده مستثنا نیست و می‌تواند چنین ادعایی نماید با این عنوان که با قبول و پذیرش اصل وجوب ادای دین موافق است اما عموم این وجوب توسط قرائن منفصله تخصیص خورده و عدم ضمان شرکا شرکت‌های با مسئولیت محدود را در مقابل طلبکاران، نسبت به مازاد سرمایه خود در شرکت، در پی دارد.

با مراجعه به مخصصات این عموم در کلام فقهای بزرگوار، می‌توان صحت و سقم این فرضیه را مورد راستی آزمایی قرار داد. در نتیجه آنچه به عنوان نقد اساسی بر نظریه مسئولیت محدود مورد نظر است، عدم وجود چنین اذنی (اذن شارع مبنی بر عدم وجوب پرداخت تمام و کمال دیون شرکا در برابر طلبکاران شرکت‌های با مسئولیت محدود) در لسان شارع است که بعد از تفحص و وصول به عدم اذن، موضوع پرداخت بدهی‌های شرکت‌های با مسئولیت محدود نیز تحت عمومات ادله ضمان قرار گرفته و وصول تمامی بدهی بر عهده شرکتی است که متشکل از اعضاء خود است. در حقیقت آنچه به عنوان نقد اساسی بر نظریه مسئولیت محدود متصور است، عدم وجود چنین اذنی از سمت شارع مقدس است.

در همین راستا در قانون تجارت ایران در امور شرکت‌ها و کسورهای همچون فرانسه و انگلیس نیز اصل اولیه و حاکم حقوقی بر آن است که تمامی شرکت‌ها دارای مسئولیت تضامنی بوده و موظف بر این رویکرد هستند که تمامی دیون خود را ادا نمایند و اکتفا به سرمایه باقی مانده شرکت نمایند (ملاکریمی، ۱۴۰۰، ۵۳). بر همین باور در قانون تجارت ایران در امور شرکت‌ها نیز به این اصل اشاره شده است و هرگونه تخطی در اصول و محدوده قوانین شرکت‌های با مسئولیت محدود را موجب تضامنی شدن ماهیت شرکت‌های با مسئولیت محدود می‌دانند. ماده ۹۵ قانون تجارت در راستای تحقق اصل تضامن و ادای کامل دیون آورده است: «در اسم شرکت باید عبارت (با مسئولیت محدود) قید شود و الا آن شرکت در مقابل اشخاص ثالث شرکت تضامنی محسوب و تابع مقررات آن خواهد بود. همچنین اسم شرکت نباید متضمن اسم هیچ‌یک از شرکا باشد و الا شریکی که اسم او در اسم شرکت قید شده در مقابل اشخاص ثالث حکم شریک ضامن در شرکت تضامنی را خواهد داشت.»

جستارهای

فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۳

زمستان ۱۴۰۲

۱۴۴

۳. استثنائات پرداخت دیون

آنچه با تفحص از منابع احکام و کتب فقهی روایی اسلامی به‌عنوان استثناء بر وجوب ادای دین بیان شده است به شرح ذیل است.

۱/۱. قرض ربوی

این مورد بیانگر عدم التزام به پرداخت زیادت بر اصل قرض در قرض ربوی است. قرض ربوی عبارت است از اشتراط هر نوع زیادت در قرارداد قرض. در این نوع از ربا بدهکار متعهد می‌شود هنگام پرداخت قرض، شرط اضافه‌ای را علاوه بر اصل قرض، برای طلبکار انجام دهد. برای اثبات این مورد به آیات و روایات مستفیض استناد می‌شود که به جهت ایجاز پژوهش به نقلی کوتاه اکتفا می‌نمایم. شیخ حر عاملی در باب الدین و القرض و سائل الشیعه نقل می‌کند: «موتقة ابن عمار عن ابي الحسن علیه السلام قال: سألته عن الرجل يکون له مع رجل مال قرضا فيعطيه الشيء من ربحه مخافة أن یقطع ذلك عنه فيأخذ ماله من غیر أن یكون شرط علیه؟ قال علیه السلام: لا بأس بذلك ما لم یکن شرطاً» (حر عاملی، ۱۳۸۶، ۱۹/۳)؛ در موتقة ابن عمار از امام

زین العابدین علیه السلام نقل شده است که از ایشان دربارهٔ مردی سؤال کردم که نسبت به فردی مقروض است. پس مرد قرض گیرنده میزانی از سود مال مقروض را نیز علاوه بر اصل مال از ترس اینکه فرد قرض دهنده دیگر به او قرض ندهد، پرداخت کرده است. قرض گیرنده نیز آن زیادت را گرفته است اما بدون اینکه در متن عقد قرض، شرط شده باشد. امام سجاد علیه السلام فرمودند: مشکلی از پرداخت و دریافت این زیادت نیست مادامی که این زیادت شرط نشده باشد.

در این روایت با استناد به حجیت مفهوم از جمله «لا بأس بذلک ما لم یکن شرطاً» حرمت قرض ربوی و اشتراط زیادت اثبات می گردد.

همچنین در روایتی دیگر مرحوم شیخ حر عاملی از امام کاظم علیه السلام نقل می کند: «خبر ابن جعفر عن أخیه موسی علیه السلام قال: سألته عن رجل أعطی رجلاً مائة درهم علی أن یعطیه خمسة دراهم أو أقل أو أكثر؟ قال علیه السلام: هذا الربا المحض» (حر عاملی، ۱۳۸۶، ۱۹/۱۸)؛ فرزند امام صادق علیه السلام از برادرشان امام موسی بن جعفر نقل می نمایند: از او دربارهٔ مردی سؤال کردم که صد درهم به مردی قرض داد بر این توافق که به او علاوه بر اصل صد درهم، پنج درهم یا بیشتر از پنج درهم یا کمتر از آن را به او برگرداند. امام کاظم علیه السلام فرمودند: این ربای محض است (و حرام است). با توجه به همین ادله فراوان است که فقها حکم به حرمت و عدم ضمان در ربا داده اند و آن را از ضروریات فقهی بین مسلمانان می دانند که در این رابطه مرحوم سبزواری در مذهب الاحکام می گوید: «لا یجوز شرط الزیادة بأن یقرض مالا علی أن یؤدی المقرض أزید مما اقترضه، سواء اشتراط صریحاً أو أضمراه ... و حرمة الربا القرضی من الضروریات بین المسلمین» (سبزواری، ۱۳۸۸، ۲۱/۵۶)؛ در قرض شرط زیادت به گونه ای که فرد قرض دهنده مال خود را قرض دهد تا آنکه بیشتر از مال خود را تصاحب نماید، جایز نیست. حال چه دو طرف عقد این زیادت را شرط نمایند و چه توافق بر آن داشته باشند آن هم بدون اشتراط در متن عقد ... و حرمت قرض ربوی و دریافت زیادت از ضروریات بین مسلمانان است.

حال با توجه به نهی موجود در ادله نسبت به مسبب عقد و نتیجه آن (که همان قرض ربوی و مدیون بودن مازاد بر اصل سرمایه است) این نهی موجب بطلان عقد

نسبت به زیادت (یا بنا بر نظری نسبت به کل و اصل عقد) است. در این میان تفاوتی در اینکه نهی در معاملات (آن هم به مسیبات) ارشادی است یا مولوی، نبوده و دارای ثمره عملی نیست؛ زیرا آنچه بدیهی است عدم صحت این زیادت است چه این نهی شارع ارشاد به حکم عقل باشد و چه این نهی، صراحتاً منهی از ربای قرضی باشد. از منظر حقوق دانان نیز با توجه به مواد ۱۹۰ قانون مدنی و ۲۱۷ همین قانون، معاملات ربوی به دلیل نامشروع بودن باطل می‌باشند. عقد باطل نیز عقدی است که فاقد شرایط ماهوی و برخی شرایط شکلی مقرر برای صحت آن باشد و به تبع آن آثار مخصوص بر آن عقد مترتب نمی‌شود و با تنفیذ نیز هیچ اثری پیدا نمی‌کند و در واقع آثار یک عقد صحیح و ضمان را در پی ندارد. به همین جهت معاملات ربوی به دلیل آنکه جهت نامشروعی دارند، باطل می‌باشند و در صورتی که طرفین به تعهدات خود عمل نمایند، از نظر حقوقی و قضایی قابلیت پیگیری ندارد.

این نکته نیز از باب غنای بحث حائز اهمیت است که افراد گاهی بین رابطه عقود ربوی و عقد مضاربه به دلیل شباهت زیاد این دو، دچار اشتباه می‌شوند. در توجیه این شباهت باید گفت، شارع برای حمایت از تولید و گردش سرمایه یک سری عقود شرعی را تأیید کرده است. تفاوت ربا و مضاربه در این است که در مضاربه زیادت بین طرفین شرط نمی‌شود بلکه نسبت و درصدی از سود مشخص می‌شود در حالی که در ربا زیادت، مبلغ مشخصی است.

جستارهای
فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۳
زمستان ۱۴۰۲

۱۴۶

۱/۲. اموال کافر حربی در حال جنگ

در تعریف اصطلاح کافر حربی باید بیان داشت که کافر حربی شخص غیر مسلمانی است که معاند حکومت اسلامی است و با مسلمانان در حال جنگ و یا در حال اعلام جنگ باشد. وی هیچ گونه پیمانی از قبیل معاهده و عقد امان و صلح با مسلمین ندارد. کافر حربی می‌تواند اهل کتاب یا غیر اهل کتاب باشد. جان و مال و امنیت او از سوی حکومت اسلامی مصونیتی ندارد. بر اساس آموزه‌های اسلام می‌توان با تشخیص حاکم اسلامی با کافر حربی اگر قصد توطئه نداشته باشد، قرارداد صلح بست (گروه مؤلفین، ۱۳۹۶، ۷۶۳/۱).

یکی از موارد استثناء از وجوب ادای دین، اموال کافر حربی است که به حکم شارع مقدس از وی سلب مالکیت شده است و حال اگر فردی از اهل حرب، نسبت به مسلمانی دائن باشد، فرد مسلمان برخلاف عموماً وجوب ادای دین ملزم به پرداخت دیون خود به کافر حربی نیست.

برخی فقها در باب ودیعه در این رابطه می‌فرمایند: «معلومیة جواز تملك مال الحربی وأنه فیء للمسلمین وأنه کالأموال المباحة وأن له التوصل إلیه بكل طریق من الربا والسرقه وغیرهما» (نجفی، ۱۳۹۷، ۲۷/۱۲۴)؛ جواز تملك مال حربی معلوم و مشخص است. همانا اموال او در ملکیت و اختیار مسلمانان است و اموال او مثل اموال مباح و آزاد و بدون مالک است و فرد مسلمان می‌تواند اموال کافر حربی را از هر طریق ممکن مثل ربا، سرقت و ... به دست آورد.

ایشان در عبارتی دیگر در کتاب شریف خود در باب خمس در این رابطه می‌فرمایند: «ما یؤخذ غیلة من أهل الحرب إن لم یکن هدنة (کان لآخذہ وفیه الخمس) كما هو واضح» (نجفی، ۱۳۹۷، ۳۸/۸)؛ آنچه از روی فریب از اموال کفار اهل حرب گرفته می‌شود در غیر حالت هدنه و سازش، به ملکیت فرد گیرنده درمی‌آید و البته باید خمس آن مال را بدهد همان گونه که واضح است.

در این نصوص به وضوح عدم احترام مال کافر حربی در زمان جنگ (نه در حالت صلح که اموال وی دارای احترام است) مشخص است که یکی از نتایج عدم احترام مال او، عدم وفای به دین برای دائن (کافر حربی) است.

البته این نکته نیز مهم است که از این حکم (عدم ملکیت اموال کافر حربی و جواز تملك اموال او در حال جنگ)، عنوان ودیعه استثناء شده و در صورتی که کافر حربی مال خود را نزد مسلمانی به امانت گذارد، حفظ آن مال و برگرداندن آن در صورت درخواست کافر حربی بر فرد مسلمان (ودعی) واجب است. این نظریه به دلیل وجود روایات خاص است و عموماً ادله در باب ودیعه است که در این رابطه شهید ثانی در روضه البهیة در باب وجوب اعاده الودیعة الی المودع می‌فرمایند: «و الحكم (وجوب ادای الأمانة) ثابت و إن کان المودع کافراً مباح المال کالحربی للأمر بأداء الأمانة إلی أهلها من غیر قید» (شهید ثانی، ۱۳۸۱، ۱/۳۸۶)؛ وجوب ادای امانت و

برگرداندن مال مودوعه حکمی ثابت است حتی نسبت به کافری (مستودع) که اخذ مال او مباح است همانند کافر حربی. آن هم به این دلیل که امر به وجوب ادای امانت به صاحب مال مطلق بوده و دارای قید نیست. همچنین «و روی الفضیل عن الرضا علیه السلام قال: سألته عن رجل - استودع رجلاً من موالیک ما لا له قيمة و الرجل الذی علیه المال رجل من العرب یقدر أن لا یعطیه شیئاً و المودع رجل خارجی شیطان فلم أَدع شیئاً فقال قل له یرد علیه فإنه ائتمنه علیه بأمانة الله» (طوسی، ۱۳۷۶، ۱۸۱/۷)؛ فضیل از امام رضا علیه السلام روایت کرده: از او درباره مردی سؤال کردم که فردی از کفار (حربی) مالی را به او که از موالیان شما است به امانت داده است و حال آنکه مستودع از اعراب است و توانایی این را دارد که مال کافر حربی را به او برنگرداند. امام رضا علیه السلام فرمودند: به او (مستودع) بگو که امانت و مال او (کافر حربی) را برگرداند؛ چرا که او (کافر حربی) مال خود را در امانت مستودع گذاشته که منزله امانت نهادن به نزد خداوند است. نیز آمده است: «عن الصادق علیه السلام: أدوا الأمانات إلى أهلها و إن كانوا مجوساً» (حر عاملی، ۱۳۸۶، ۲/۲۹۲)؛ از امام صادق علیه السلام: امانت‌ها را به صاحبان آن برگردانید اگرچه کافر و مجوس باشند.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۳

زمستان ۱۴۰۲

۱۴۸

۳/۱. اشتراط عدم ضمان عین در عاریه

در آغاز، در بیان تعریف عقد عاریه باید بیان داشت که طبق ماده ۶۳۵ قانون مدنی: عاریه عقدی است که به موجب آن احد طرفین به طرف دیگر اجازه می‌دهد که از عین مال او مجاناً منتفع شود. عاریه دهنده را معیر و عاریه گیرنده را مستعیر گویند (منصور، ۱۳۹۲، ۶۳۵).

مورد سوم از استثنای وجوب ادای دین بیانگر این مطلب است که در عقد عاریه، فرد مستعیر می‌تواند با اشتراط عدم ضمان خود نسبت به مستعار (مال مورد عاریه گرفته شده) حتی در صورت افراط و تفریط، ذمه خود را نسبت به ادای دین (که همان ادای مستعار است) در صورت رجوع معیر از عاریه، بری نماید.

در این رابطه مرحوم شهید ثانی در روضه البهیه در کتاب العاریه می‌فرماید: «و لو شرط سقوطه مع التعدي أو التفریط احتمال الجواز لأنه فی قوة الإذن له فی الإتلاف

فلا يستعقب الضمان كما لو أمره بإلقاء متاعه في البحر و يحتمل عدم صحة الشرط لأنهما من أسباب الضمان فلا يعقل إسقاطه قبل وقوعه لأنه كالبراءة مما لم يجب و الأول أقوى)) (شهید ثانی، ۱۳۸۱، ۳۹۱/۱)؛ و اگر مستعیر سقوط ضمان مستعار در صورت تعدی و تفریط را نسبت به ادای آن شرط نماید دو احتمال وجود دارد: احتمال اول جواز چنین اشتراطی و در نتیجه عدم ضمان نسبت به مستعار است، آن هم بدین دلیل که برای معیر اذن در اتلاف مال خود وجود دارد. پس در نتیجه ضمانی بر عهده مستعیر قرار ندارد. همانند اینکه معیر، مستعیر را به انداختن کالایش درون دریا امر نماید. احتمال دوم عدم صحت چنین اشتراطی در عقد عاریه است. آن هم بدین علت که تعدی و تفریط از اسباب ضمان هستند پس تصور اسقاط ضمان آنها قبل از ایجاد ضمان و ایجاد تعدی و تفریط، عاقلانه نیست؛ که این در واقع مانند براءت ما لم يجب (آنچه هنوز به عهده نیامده) است. از این دو احتمال، همان احتمال اول (صحت اشتراط عدم ضمان در صورت تعدی و تفریط) اقوی است.

۱/۴. مستثنیات دین

یکی دیگر از مواردی که از عمومیت وجوب ادای دین تخصیص خورده است، اموال استثنا شده از دین است. در تعریف و تعیین این اموال آنچه معیار است رأی عرف است؛ زیرا هر آنجا که شرع در مقام تبیین موضوع سکوت نموده است، این مهم بر عهده عرف خواهد بود. در همین رابطه شهید ثانی در روضة البهیه در کتاب الدین می فرماید: «و لا تباع داره و لا خادمه و لا ثياب تجمله و يعتبر في الأول و الأخير ما يليق بحاله كما و كيفا و في الوسط ذلك لشرف أو عجز و كذا دابة ركوبه و لو احتاج إلى المتعدد استثنى كالمثحد» (شهید ثانی، ۱۳۸۱، ۴۳۷/۱)؛ و برای ادای دین مدیون خانه او، خادم او، لباس های مجلسی او و مرکب او فروخته نمی شود بلکه آنچه شایسته اوست در نزد او باقی خواهد ماند و اگر نیاز و شایستگی او به بیش از یک عدد از موارد بالا باشد، همچنان حکم استثنا باقی خواهند ماند.

همچنین در قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۴ نیز به استثنا بودن اموال خاصی از مدیون اشاره دارد. در این قانون آمده: (۱) منزل مسکونی که

عرفاً در شأن محکوم علیه در حالت اعسار او باشد؛ ۲) اثاثیه مورد نیاز زندگی که برای رفع حوائج ضروری محکوم علیه و افراد تحت تکفل وی لازم است؛ ۳) کتب و ابزار علمی و تحقیقاتی برای اهل علم و تحقیق متناسب با شأن آن‌ها؛ ۴) وسایل و ابزار کار کسبه، پیشه‌وران، کشاورزان و سایر اشخاص که برای امرار معاش ضروری آن‌ها و افراد تحت تکفلشان لازم است؛ ۵) تلفن مورد نیاز مدیون؛ ۶) مبلغی که ضمن عقد اجاره به موجر پرداخت می‌شود مشروط بر اینکه پرداخت اجاره بها بدون آن موجب عسر و حرج گردد و عین مستأجره مورد نیاز مدیون بوده و بالاتر از شأن او نباشد (رضایی، ۱۳۹۵، ۹۸).

پس هر آنچه غیر از موارد بالا در ملکیت مدیون باقی مانده باشد متعلق به طلبکاران خواهد بود و اگر غیر از این اموال، هیچ مالی برای او نماند، اموال باقی مانده در ملکیت و تسلط مدیون باقی خواهد ماند. آنچه از این موارد بیان شد، حاصل تفحصات نویسنده از استثنائات وجوب ادای تمام و کمال دین است. البته مواردی دیگر نیز از این قبیل موجود است که به علت شباهت‌های بسیار و وجود نقاط مشترک فراوان با موارد ذکر شده، از ذکر آن‌ها صرف نظر می‌نمایم. در نتیجه غیر از این موارد چهارگانه، عموم ادله وجوب ادای دین، حجیت خود را بیان دارد و از ظهور خود دست نمی‌کشد. حال به دلیل همین عمومیات، وجوب مسئولیت تمام و کمال ادای دین طلبکاران در شرکت‌های موسوم به مسئولیت محدود نیز اثبات می‌گردد و شرکا مجبور به پرداخت تمامی بدهی‌ها به نسبت اموال خود هستند. مثلاً اگر در شرکتی سه نفر شریک هستند و شخص الف ۵۰ درصد سهام و شخص ب ۳۰ درصد سهام و شخص ج ۲۰ درصد سهام را در اختیار دارد، شخص الف موظف به پرداخت ۵۰ درصد تمامی بدهی‌ها و مابقی شرکا نیز بدین ترتیب موظف و متعهد می‌باشند.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۳

زمستان ۱۴۰۲

۱۵۰

۴. اشتراط عدم ضمان نسبت به مازاد سرمایه شرکت در ضمن عقد

پس از بیان مخصصات عمومیات ادله وجوب ادای دین تنها ادعایی که توسط مدعیان صحت شرعی شرکت‌های با مسئولیت محدود باقی می‌ماند؛ اشتراط عدم ضمان در ضمن عقد است. این ادعا بدین صورت است که شرکت هنگام معامله

(با هر عقد معاوضی) با افراد خارجی ضمن عقدی که جاری می‌سازد، شرط عدم ایفاء به دیون نسبت به مازاد سرمایه هر یک از شرکا را قرار می‌دهد. حال با توجه به قبول عمومات ادله و وجوب ادای دین، شرط به‌عنوان مخصص ورود پیدا کرده و آن عمومات را تخصیص می‌زند. کلیت اشتراط ضمن عقد طبق روایت معروف پیامبر صلی الله علیه و آله دارای صحت است. در این روایت که در کتاب تهذیب آورده شده، آمده است: قوله صلی الله علیه و آله: «المؤمنون عند شروطهم» (طوسی، ۱۳۷۶، ۳۷۱/۷): مؤمنان در نزد شرط‌هایی که می‌گذارند، هستند و بدان عمل می‌کنند.

شاهد ثانی نیز در روضه البهیه در بخش خیار الاشتراط آورده‌اند: «و یصح اشتراط سائغ فی العقد إذا لم یؤد إلى جهالة فی أحد العوضین أو یمنع منه الكتاب و السنة» (شاهد ثانی، ۱۳۸۱، ۳۳۱/۱): و اشتراط شروط در ضمن عقد صحیح است البته زمانی که اشتراط منجر به جهالت در یکی از عوضین مورد معامله نشود و همچنین مخالف کتاب و سنت نباشد.

صحت اشتراط ضمن عقد مورد اشاره قانون مدنی نیز بوده است و از مجموع قوانین ۲۳۱ تا ۲۳۷ قانون مدنی ایران این صحت استخراج می‌گردد.

شاید این ادعا (اشتراط عدم ضمان در ضمن عقد) در نگاه اول سخنی درست به نظر آید اما با اندکی تأمل، عدم صحت این ادعا نیز نمایان خواهد گشت و راهی برای تصحیح فقهی و شرعی شرکت‌های با مسئولیت محدود باقی نمی‌ماند. برای رد این ادعا باید بیان داشت که بر فرض پذیرش جواز اشتراط ضمن عقود، آنچه حائز اهمیت است نداشتن مخالفت شروط مشروطه با مقتضای عقد و مبانی شرع مقدس اسلام است. پس در واقع اشتراط زمانی مؤثر در عقد خواهد بود که قیود مورد نظر شارع را خدشه‌دار ننماید. شاهد ثانی در همین رابطه در روضه البهیه در باب اجاره آورده‌اند: «و لو شرط فی عقد الإجارة ضمانها بدونهما فسد العقد لفساد الشرط من حیث مخالفته للمشروع و مقتضی الإجارة» (شاهد ثانی، ۱۳۸۱، ۳/۲): و اگر در عقد اجاره شرط شود که مستأجر ضامن عین مستأجره باشد حتی در صورت عدم تعدی و تفریط، عقد نیز فاسد می‌شود آن‌هم به دلیل فساد شرط از جهت مخالفت آن با شرع و مقتضی خود اجاره.

همین نکته در قانون مدنی نیز آمده است؛ ماده ۲۳۲ قانون مدنی بیان می‌دارد: شروط مفصله ذیل باطل است ولی مفسد عقد نیست: ۱: شرطی که انجام آن غیر مقدور باشد؛ ۲: شرطی که در آن نفع و فایده نباشد؛ ۳: شرطی که نامشروع باشد (منصور، ۱۳۹۲، ۲۳۲).

بنابراین قدر متیقن آنچه آورده شد، عدم صحت اشتراط شروط نامشروع و بی‌اثر بودن آن است (البته به‌غیر از عقد عاریه که جواز اشتراط عدم ضمان حتی در صورت عدم تعدی و تفریط در آن گذشت). خلاف مقتضی شرع بودن اشتراط عدم ضمان در شرکت‌های با مسئولیت محدود نسبت به مازاد سرمایه نیز از عموماً و وجوب ادای دین به‌صراحت نمایان است و هر آنچه در اثبات این امر (عدم مشروعیت عدم ضمان در شرکت‌های با مسئولیت محدود نسبت به مازاد سرمایه) گفته شود تکرار مکررات و تأکید مؤکدات خواهد بود.

۵. اصل استقلال و خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری

آنچه از این اصل نمایان است، تفکیک میان دارایی‌ها و مالکیت شرکت در برابر شرکا و مالکان خود است. به‌عبارتی دیگر با قبول تفاوت و تفکیک میان این دو اعتبار و شخصیت، نتایجی به دست می‌آید که می‌توان مهم‌ترین آن را عدم التزام شخصیت حقیقی (شرکا شرکت با مسئولیت محدود) نسبت به ادای دیون طلبکاران شخصیت حقوقی (شرکت با مسئولیت محدود) به میزان بیش از سرمایه ثبت شده اولیه خود در این شرکت‌ها دانست.

استخراج این اصل نیز از مجموع مواد ۵۸۳، ۵۸۸ و ۵۸۹ قانون تجارت ایران نمایان خواهد بود. حال که وجود این اصل، در قانون تجارت ایران انکارناپذیر تلقی گردید باید سعی بر آن داشت تا خرق حجابی بر شخصیت حقوقی این شرکت‌ها انجام گیرد؛ چراکه این گونه تفکیک دارای تغایر فقهی و عقلایی است.

از مهم‌ترین ادله‌ای که در ارتباط با اعتبار شخصیت حقوقی در فقه اسلامی بیان شده است، ارتکاز عقلایی و بنا عقلا است که تفصیلاً در کتاب الشخص الاعتباری بدان اشاره گردیده شده است (لجنة فقه المعاصر، ۱۴۰۱، ۷۷). در حقیقت، حال که اعتبار

جستارهای

فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۳

زمستان ۱۴۰۲

۱۵۲

عقلایی، حکم به تشخص این شخصیت (شخصیت حقوقی و اعتباری) داده است و وی را در زمره دیگر شخصیت‌ها همچون شخصیت حقیقی می‌داند. احکام مترتب بر شخصیت حقیقی نیز بر شخصیت حقوقی اجرا خواهد شد و او همچون شخصیت حقیقی قابلیت تملک پیدا خواهد نمود و در نهایت شرع مقدس نیز به تبعیت از این حکم کلی عقل، بر تصرفات وی صحه خواهد گذاشت. حال آنکه عقلاً تأثیر شخصیت حقوقی از مؤسسان این شخصیت یا همان شرکا را پذیرفته‌اند و عهده آنان را خالی از دین تلقی نمی‌کنند و فقهای معاصر نیز بر همین ارتکاز، حکم به عدم استقلال تام شخصیت حقوقی و مؤثرین آنها (شرکا) داده‌اند که در نهایت مسئولیت مدنی شرکا نسبت به ادای دیون طلبکاران شرکت، آن‌هم به صورت تمام و کمال را در پی دارد. در این ارتباط در کتاب الشخص الاعتباری آمده است: «من الواضح أن الشخص الاعتباری یتملک وجوداً مختلفاً عن الأشخاص الطبيعيين المؤسسين له. لكن ينبغي الالتفات الى أن هذه الغيرية في مثل الأحزاب، اعتباری. والا فالبنظر الى وجود التكوینی لم یکن للشخص الاعتباری وجود كذلك. مع أنه لا یكون هناك ای وجود تکوینی آخر فی العالم الخارجی عدا الأعضاء الطبيعيين» (لجنة فقه المعاصر، ۱۴۰۱، ۴۱)؛ به وضوح نمایان است که شخصیت حقوقی وجودی مستقل و جدا از شخصیت حقیقی و افراد تشکیل دهنده اش دارد اما شایسته است که بدین نکته توجه شود، غیریت و استقلال بین شخصیت حقوقی و حقیقی همچون غیریت و استقلال یک حزب و گروه از افراد آن، صرفاً اعتباری است و گرنه با توجه به وجود تکوینی شخصیت حقوقی نمایان خواهد بود که وجودی جدا و مستقل از شخصیت حقیقی تحقق نخواهد داشت و تنها وجود تکوینی موجود در عالم خارجی (به نسبت شخصیت حقوقی) وجود اعضا و شرکا شخصیت حقوقی است.

در نتیجه باید توجه نمود که صرف قبول ادعای استقلال وجودی شخصیت حقوقی از حقیقی، موجب حکم به عدم رعایت مسئولیت مدنی شخصیت حقیقی نسبت به شخصیت حقوقی نخواهد شد و ایجاد غیریت موجود میان این دو ناشی از اعتبار است و هم‌گرایی این دو شخصیت را در مقام تکوین مورد خدشه قرار نمی‌دهد. پس آنچه مورد نظر است، عدم امکان تمسک شرکا شرکت‌های با مسئولیت محدود

به این ویژگی شخصیت حقوقی است؛ چراکه آنان درصددند تا به واسطه استعانت از ویژگی استقلال شخصیت حقوقی، خود را از ادای دیون طلبکاران مبرا سازند و فقط به نسبت مبلغ اسمی سهم پاسخگوی آنان قرار بگیرند.

با صرف نظر از کلام فقها در حقوق ایران و دیگر کشورها نیز مواردی بر حکم به ضمان شرکا مشاهده می‌گردد. به‌عنوان نمونه در رأیی که در شعبه ۱ دادگاه تجدیدنظر استان تهران صادر شده، آمده است: «با وصف استقلال شخصیت حقوقی شرکت از شخصیت حقیقی اعضا و مدیران آن، هرگاه محرز شود که اقدامات شرکت فی الواقع تحت سیطره مؤثر شخص حقیقی است، تعهد ایجاد شده را می‌توان منتسب به اصیل واقعی دانست و او را در برابر متعهدله مسئول شناخت. با توجه به لزوم جلوگیری از تقلب نسبت به قانون و جلوگیری از سوءاستفاده از حق، استناد به اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت نمی‌تواند مستمسکی برای براءت ذمه و رفع مسئولیت از اصیل واقعی باشد. در تفصیل این رأی ذکر شده است: در خصوص دعوی شرکت صنایع بسته‌بندی الف با وکالت آقایان ق.ق. و ع.ط. به طرفیت ۱- آقای ح.ت. با وکالت بعدی ۲- آقای م.د. شرکت ت به خواسته مطالبه مبلغ ۲/۳۷۶/۶۷۶/۲۳۲ ریال با احتساب خسارات دادرسی به اعتقاد دادگاه، اگرچه شخصیت حقوقی شرکت از شخصیت حقیقی اعضا و مدیران آن مستقل است و به لحاظ همین استقلال شخصیت حقوقی، شرکت می‌تواند دارای حق و تکلیف شود و جزء در خصوص شرکت‌هایی که شرکا شخصاً ضامن تعهدات شرکت هستند در سایر شرکت‌ها، طلبکاران حق مراجعه به شرکا را ندارند و شرکت شخصاً پاسخگو و مسئولیت در رابطه با بدهی‌های ناشی از معاملات آن با اشخاص طرف قرارداد است لکن هرگاه شرکت یک سلسله امور و اقدامات حقوقی را تحت کنترل شخص دیگر یا به وکالت دیگری انجام دهد به گونه‌ای که در مرحله ایجاد رابطه حقوقی اراده متعهد تحت سلطه و کنترل مؤثر آن شخص خارجی (ثالث) باشد تعهد ایجاد شده را می‌توان منتسب به اصیل واقعی (شخص ثالث) دانست. به عبارتی هرگاه اقدامات و اعمال حقوقی که شخص حقوقی (شرکت) زیر نظر دیگری انجام می‌دهد ناشی از اراده کنترل‌کننده است، نتیجه گرفته می‌شود که در واقع طرف قرارداد یا اصیل واقعی

جستارهای

فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۳

زمستان ۱۴۰۲

۱۵۴

کنترل کننده است و می بایست قاعده استقلال شخصیت حقوقی شرکت را نادیده گرفت و مسئولیت را بر اصریل واقعی تحمیل کرد).

در دادگاه‌های خارجی نیز احکامی مبنی بر عدم استقلال شخصیت حقوقی از حقیقی صادر شده است که به دلیل رعایت اختصار پژوهش، به ذکر مصادر اکتفا می شود (کابری، ۲۰۱۰، ۳۲۰-۳۲۵؛ کابور، ۲۰۱۹، ۳۱۱-۳۲۴؛ ماندارا، ۲۰۱۴، ۲۰-۳۵).

نتیجه گیری

آنچه بدان در این پژوهش اثبات گردید، بدین شرح است؛

۱- عدم تطابق ماده ۹۴ (شرکت‌های با مسئولیت محدود) قانون تجارت ایران در امور شرکت‌ها با شرع مقدس اسلام و تغایر فقهی آن.

۲- قانونی بودن عدم تطابق و تغایر فقهی ماده ۹۴ (شرکت‌های با مسئولیت محدود) قانون تجارت ایران در امور شرکت‌ها و عدم الزام قانونی مبنی بر رعایت موازین شرع مقدس.

۳- وجود ادله عامه و خوب ادای دین در شرع مقدس اسلام، صحت این نوع از شرکت‌ها از منظر فقه محدودش دانسته و اصل را بر ادای تمامی دیون طلبکاران شرکت می داند.

۴- عدم وجود ادای دین در برخی موضوعات فقهی با توجه به ادله خاص بوده و خارج از اصل کلی است.

منابع

• قرآن کریم.

۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین. (۱۳۶۱). عوالی اللئالی الغریبه فی الاحادیث الدینیة. کربلا: مطبعه سید الشهداء علیه السلام.
۲. اسکینی، ربیعاً. (۱۳۹۴). حقوق تجارت. چاپ بیستم، تهران: سمت.
۳. بحرانی، یوسف. (۱۳۶۹). الحدائق الناصره فی احکام العتره الطاهره. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۴. حر عاملی، محمد (۱۳۸۶). وسائل الشیعه. چاپ دهم، تهران: انتشارات کتابچی.

۵. حلی، حسن بن یوسف. (۱۳۷۸). *تذکره الفقهاء*. چاپ یکم، قم، انتشارات موسسه آل البيت علیه السلام.
۶. خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۳۹۷). *موسوعة الامام الخوئی*. چاپ سوم، نجف: نشر موسسه احیاء آثار امام خوئی.
۷. رضایی، شهلا. (۱۳۹۵). *قانون نحوه اجراء محکومیت های مالی*. چاپ چهارم، تهران: انتشارات قانون یار.
۸. سیزواری، سید عبدالاعلی. (۱۳۸۸). *مهذب الاحکام فی بیان حلال و الحرام*. قم: دارالتفسیر.
۹. ستوده، حسین. (۱۴۰۰). *حقوق تجارت*. چاپ چهلیم، تهران: انتشارات دادگستر.
۱۰. صدر، سید محمد باقر. (۱۴۱۷ق). *بحوث فی علم الأصول*. چاپ سوم، قم: موسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی.
۱۱. طوسی، محمد. (۱۳۷۶). *تهذیب الاحکام*. چاپ ششم، قم: انتشارات دار الکتب الاسلامیه.
۱۲. عاملی، زین الدین. (۱۳۸۱). *مسالك الافهام*. چاپ دوم، قم: انتشارات بنیاد معارف اسلامی.
۱۳. عرفانی، محمد. (۱۳۹۹). *حقوق تجارت به زبان ساده*. چاپ شانزدهم، تهران: میزان.
۱۴. گروه مؤلفین. (۱۳۹۵). *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. چاپ دوم، تهران: نگاه بوستان.
۱۵. لجنة الفقه المعاصر. (۱۴۰۱). *الشخص الاعتباری*. قم: جامعه مدرسین.
۱۶. محدث نوری، میرزا حسین. (۱۳۶۸). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. قم: موسسه آل البيت علیه السلام.
۱۷. مظفر، محمد رضا. (۱۳۷۷). *أصول الفقه*. چاپ سیزدهم، قم: نشر اسماعیلیان.
۱۸. ملاکریمی، امید. (۱۴۰۰). *قانون تجارت*. تهران: آدینه.
۱۹. منصور، جهانگیر. (۱۳۸۳). *قانون تجارت*. چاپ بیست و هشتم، تهران: کتاب دید آور.
۲۰. منصور، جهانگیر. (۱۳۹۲). *قانون مدنی*. چاپ نود و پنجم، تهران: کتاب دید آور.
۲۱. نجفی، محمد حسن. (۱۳۹۷). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. چاپ سوم، قم: الجماعة المدرسین بقم المشرفة موسسه الاسلامی.

22. Cabrelli David, (2010), The Case Against Outsider Reverse Veil Piercing in Company Law, University of Edinburgh, School of Law, 6(15), 320-325
23. Kabour Reem, (2019), Revisiting the Inhibited Doctrine of Piercing the Corporate Veil in English Company Law, The King Student Law Review, 2(9), 311-324
24. Mandaraka Aleka (2014), New Trends In Piercing the Corporate Law, the Conservative Versus the Liberal Approaches, Modern Maritime Law, 8(21)- 20-35.

References

The Holy Qur'an.

1. A Group of the Authors. 2016/1395. *Qānūn-i Jumhūrī-yi Islāmī-yi Īrān*. 2nd. Tehran: Niġāh-i Būštān.
2. Āl 'Uṣfūr al-Bahrānī, Yūsuf ibn Aḥmad ibn Ibrāhīm. 1990/1369. *Al-Ḥadā'iq al-Nādirat fī Aḥkām al-'Itrat al-Ṭāhirah*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
3. al-'Āmilī, Zayn al-Dīn Ibn 'Alī (al-Shahīd al-Thānī). 2002/1381. *Masālik al-Afhām ilā Tanqīḥ Sharā'ī' al-Islām*. Qom: Mū'assasat al-Ma'ārif al-Islāmīyya.
4. al-Ḥillī, Ḥasan Ibn Yūsuf (al-'Allāma al-Ḥillī). 1999/1378. *Tadhkirat al-Fuqahā'*. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt li Ḥyā' al-Turāth.
5. al-Ḥurr al-'Āmilī, Muḥammad Ibn Ḥasan. 2007/1386. *Tafṣīl Wasā'il al-Shī'a ilā Tahṣīl al-Masā'il al-Sharī'a*. Tehran: Intishārāt Kitābchī.
6. Al-'Iḥsāyī, ibn Abī Jumhūr Muḥammad ibn 'Alī. 1982/1361. *'Awālī al-La'ālī al-'Azīzāyat fī al-Aḥādith al-Dīnīyah*. Karbalā: Maṭba'at Sayyid al-Shuhadā'.
7. al-Mūsawī al-Khu'ī, al-Sayyid Abū al-Qāsim. 2018/1397. *Mawsū'at al-Imām al-Khu'ī*. 3rd. Qom: Mu'assasat Ḥyā' Āthār al-Imām al-Khu'ī.
8. al-Muzaffār, Muḥammad Riḍā. 1998/1377. *Uṣūl al-Fiqh*. Qum: Mu'assasat Ismā'īlyān.
9. al-Najafī, Muḥammad Ḥasan. 2018/1397. *Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharā'ī' al-Islām*. 3rd. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
10. al-Nūrī al-Ṭabrasī, al-Mīrzā Husayn (al-Muḥaddith al-Nūrī). 1987/1408. *Musādrak al-Wasā'il wa Musānbaṭ al-Masā'il*. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt li Ḥyā' al-Turāth.
11. al-Sabzawārī, al-Sayyid 'Abd al-'Alā. 2009/1388. *Muḥadhdhab al-Aḥkām fī Bayān al-Halāl wa al-Ḥarām*. Qom: Dār al-Tafsīr.
12. al-Ṣadr, al-Sayyid Muḥammad Bāqir. 1996/1417. *Buḥūth fī 'Ilm al-Uṣūl. Mu'assasat al-Ma'ārif al-Islāmīyya*.
13. al-Ṭūsī, Muḥammad Ibn Ḥasan (al-Shaykh al-Ṭūsī). 1997/1376. *Tahdhīb al-Aḥkām fī Sharḥ al-Muqni'at lil Shaykh al-Mufīd*. 6th. Qom: Dār al-Kutub al-Islāmīyya.
14. Cabrelli David, (2010), *The Case Against Outsider Reverse Veil Piercing in Company Law*, University of Edinburgh, School of Law, 6(15), 320-325
15. 'Irfānī, Muḥammad. (2020/1399). *Ḥuqūq-i Tijārat biḥ Zabān-i Sādih*. 16th. Tehran: Mīzān.
16. Iskīnī, Rabī'ā. (2015/1394). *Ḥuqūq-i Tijārat*. 20th. Tehran: Samt.
17. Kabour Reem, (2019), *Revisiting the Inhibited Doctrine of Piercing the Corporate Veil in English Company Law*, The King Student Law Review, 311-324, (2)9
18. Lajnat al-Fiqh al-Mu'āthir. 2022/1401. *Al-Shakhṣ al-'I'tibārī*. 1st. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
19. Mandaraka Aleka (2014), *New Trends In Piercing the Corporate Law, the Conservative*

- Versus the Liberal Approaches*, Modern Maritime Law , 8(21)- 20-35.
20. Manṣūr, Jahāngīr. 2004/1383. *Qānūn-i Tijārat*. 28th. Tehran: Kitāb Dīdāvar.
21. Manṣūr, Jahāngīr. 2013/1392. *Qānūn-i Madanī*. 95th. Tehran: Kitāb Dīdāvar.
22. Mullā Karīmī, Umīd. 2021/1400. *Qānūn-i Tijārat*. 1st. Tehran: Ādīnih.
23. Riḍāyī, Shahlā. 2016/1395. *Qānūn-i Naḥwih-yi Ijrā-yi Maḥkūmīyat-hāyi Mālī*. 4th. Tehran: Intishārāt Qānūn Yār.
24. Sutūdīh, Ḥusayn. 2021/1400. *Ḥuqūq-i Tijārat*. 40th. Tehran: Intishārāt Dādguṣṭar.

